

تأثیر صفات محیطی بر خلاقیت، جهت نیل به شهر خلاق

الهام ناظمی^{۱*} عنایت الله محقق نسب^۲

^۱ عضو هیات علمی گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

E-mail: (Nazemielham@yahoo.com)

^۲ کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: (Enayat.mohaghegh@gmail.com)

چکیده

در گذر زمان، و در نتیجه تقابلات انسانی، جامعه بشری با دگرگونی‌های بسیاری مواجه گردیده است؛ بر این اساس اگر در پی آن باشیم که این تغییرات، اثرات مثبت و کارسازی داشته باشند، باید برای ایجاد شرایط و مسیر مناسب پیشروی در جهت هرچه توانمندتر ساختن انسان، گام‌های بلندتر و مؤثرتری را برداریم. در این راستا شهر به عنوان بستر زندگی انسان، میزان بخش قابل توجهی از این دگرگونی‌ها و ملزم به پاسخ‌گویی مناسب به آنها می‌باشد. هرچه چارچوب مدیریتی و اجتماعی شهر بتواند موضوعات را خلاقانه‌تر درک و بررسی نماید و به ارائه راهکار پردازد، روند حرکت رو به جلوی شهر با اتفاقات بهتری رقم خواهد خورد. خلاقیت در شهر چه در ایده و چه در عمل از راهکارهای غیرقابل انکار در پاسخ‌گویی به اتفاقات گوناگون شهر است، و بدون شک لازمه آن وجود شهروندانی خلاق است. بر همین اساس در این مقاله تلاش شده است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌مندی از مطالعات اسنادی پس از بررسی مفهوم خلاقیت و دست‌یابی به چارچوبی برای آن، تأثیر صفات محیطی بر خلاقیت تبیین شود؛ و سپس، در چارچوب این ویژگی‌ها، مفاهیم فضایی «پارک خلاقیت» برای پرورش شهروند خلاق و در نتیجه نیل به شهر خلاق ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، صفات محیطی، آموزش، شهر خلاق، پارک خلاقیت

مقدمه

خلاقیت^۱ در بشر از استعدادهای عمومی است (مثل هوش و حافظه) و هر کس کم و بیش خلاق است. این استعداد طبیعی، برحسب محیط و شرایط دیگر، کم یا زیاد بروز می‌کند. محیط‌های مساعدی برای خلاقیت وجود دارد که باعث شکوفایی، گسترش و رشد آن می‌شود. محیط‌های دیگری نیز وجود دارند که بزرگ‌ترین استعداد بالقوه خلاقیت، نمی‌تواند در آنجا بروز کند (بیسیس-پیر، ۱۳۷۹: ۲۴).

خلاقیت از جمله مسائلی است که درباره ماهیت و تعریف آن تاکنون بین محققان و روان‌شناسان توافق به عمل نیامده است. ابهام اصطلاح خلاقیت از آن جهت است که مفهومی انتزاعی است. با این وجود درباره خلاقیت نظریه‌های متنوعی وجود دارد و از زوایای مختلف به آن نگریسته شده است. به طور کلی، تعاریف مرتبط با خلاقیت را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

- بعضی از تعاریف، ویژگی‌های شخصیتی افراد را محور قرار می‌دهند: خلاقیت مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصوصیت‌هاست که موجب تفکر خلاق می‌شود.
- برخی دیگر به اساس فرآیند خلاق توجه می‌نمایند: شکل‌دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه، که با الزامات خاصی مطابق است، یا به شکلی مفید است.
- تعاریف دیگر، برحسب محصول خلاق، به خلاقیت نگریسته‌اند: خلاقیت ارائه کیفیت‌های تازه از مفاهیم و معانی است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وجه اشتراک این تعاریف، تازگی و نبودن است. اما تازگی به تنهایی نمی‌تواند مفهوم خلاقیت را روشن کند. بنابراین اشکالی که در تعریف خلاقیت بر مبنای تازگی وجود داشت، محققان را بر آن داشت تا عنصر «ارزش» را به آن اضافه کنند.

حال سوالی که در زمینه تعریف خلاقیت و سه وجه مشخصه آن مطرح می‌شود، این است که آیا تازگی به معنای مطلق آن مدنظر است؟ یعنی کار جدیدی که قبلاً نبوده؛ یا منظور از تازگی، جدید بودن برای فرد است؟ بر این اساس مایر^۲ و وایزبرگ^۳ تعریف ساده و روشنی از خلاقیت ارائه دادند: خلاقیت توانایی حل مسائلی است که فرد قبلاً حل آنها را نیاموخته است (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۱-۲۹).

یکی از پذیرفته‌شده‌ترین تعاریف توسط آمابیل ارائه شده است، او معتقد است: «خلاقیت حاصل ایده‌های نو و مفید، و نوآوری به کارگیری موفق ایده‌های خلاقانه است» (Amabile, 1983: 2).

به عبارت دیگر، نوآوری به معنی خلاقیت عینیت‌یافته یا اندیشه خلاق تحقق‌یافته است. در این نوع تعریف «خلاقیت» را «تولید ایده» و «نوآوری» را «تحقق بخشیدن به آن ایده» می‌دانند. در این حالت منظور از خلاقیت، «خلاقیت ذهنی» و منظور از نوآوری، «خلاقیت عینی» است (بیسادی، ۱۳۹۲: ۲).

عوامل مختلفی بر خلاقیت افراد موثرند که مطرح کردن یک‌یک آنها از موضوع این مقاله به دور است. لیکن مطرح نمودن دو دسته کلی از عوامل یعنی عوامل فردی و عوامل محیطی ضروری است. منظور از عوامل فردی، عواملی نظیر ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه درونی است. از سوی دیگر، بین انگیزه‌های شخصی و خلاقیت ارتباطی قوی وجود دارد که قسمت زیادی از این گرایش را محیط یا حداقل جنبه‌های خاصی از محیط تعیین می‌کند، که منظور از آن تنها محیط فیزیکی اطراف فرد نیست. به طور مثال برای یک کودک، منظور از محیط، کلیه عوامل محیطی از جمله محیط کالبدی، محیط خانواده، محیط آموزشی و حتی

نظام و برنامه آموزشی او هستند؛ اما در این مقاله فارق از سایر عوامل (به طور خاص) تنها به محیط کالبدی افراد پرداخته می‌شود.

صفات محیطی^۴ موثر بر خلاقیت

انسان خلاق، مشاهده‌گر خوبی است. او محیط اطراف را به خوبی می‌بیند، آن را درک می‌کند و با دقت در آن به حکمت‌های نهفته در محیط پی می‌برد و از امکانات و شرایط محیط، به بهترین وجه بهره می‌گیرد و کاری غیرکلیشه‌ای را انجام می‌دهد. او با یک نگاه عادی به محیط نمی‌نگرد و سعی می‌کند دگرگونه به دنیا نگاه کند. او بوی خوش آزادی فردی را در آن فکر و انجام عمل، می‌چشد (بیسادی، ۱۳۹۲: ۴).

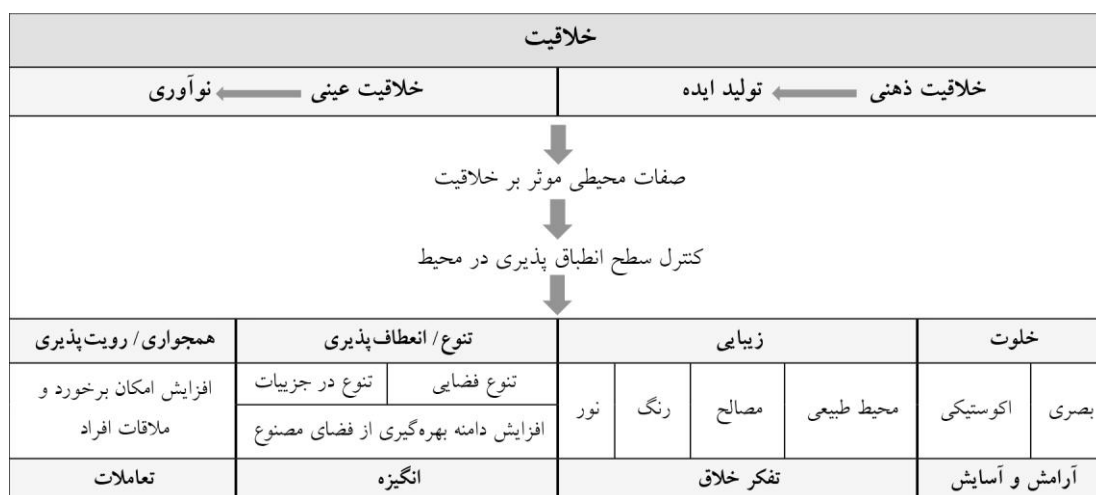
فضا و ارتباط آن با رفتار انسان و همچنین برخوردها و استفاده وی از فضا در مطالعات رفتار محیطی^۵ به طور وسیعی مورد بررسی قرار گرفته است. بازنگری این تحقیقات بیان‌گر این حقیقت است که رفتار انسان، برخوردها و کاربرد فضا می‌تواند به واسطه فضا و ارتباطات فضایی تحت تأثیر قرار گیرد. تحقیقات زیادی بیان‌کننده این مطلب است که محیط فیزیکی نیز ممکن است برخلاقیت مؤثر باشد. برای مثال آمایل بیان می‌کند: «از آن جا که محیط فیزیکی از لحاظ شناختی و ادراکی محرک است، می‌تواند تقویت‌کننده خلاقیت باشد» (Amabile, 1996: 5).

میزان و سطح بهینه تحریکات محیطی برای همه افراد و سنین مختلف یکسان نبوده و تحت تأثیر ویژگی‌های فردی افراد، متغیر است. تغییر سطح بهینه‌ی تحریکات محیطی، انطباق‌پذیری نامیده می‌شود. انطباق‌پذیری، موجب تغییر پاسخ یا عکس‌العمل شخص نسبت به تحریکات محیطی طی زمان می‌گردد. هر چند انطباق‌پذیری یک مکانیزم مفید و موثر برای مواجهه با شرایط نامناسب محیطی است و این مکانیزم در گذشته، شرایط و زمینه‌های بقای بشر را فراهم نموده است، اما بدین ترتیب انطباق‌پذیری، گاه پی‌آمدهای منفی به دنبال دارد. همواره بین فضای زندگی مطلوب و فضای زندگی قابل تحمل، فاصله است. افزایش تدریجی تحمل کاربران آن محیط، این فاصله را نیز افزایش می‌دهد. از جمله تأثیرات منفی انطباق‌پذیری، می‌توان به انطباق تدریجی مکانیزم بدن انسان با آلودگی هوا و آلودگی صوتی، اشاره داشت.

این انطباق‌پذیری (تحمل یا عادت) در خصوص ویژگی‌های بصری محیط نیز صدق می‌کند. پس به پدیده‌ی انطباق‌پذیری بایستی با دقت اندیشید و از خطرات آن، غافل نماند. هنگامی که به نظر می‌رسد افراد با شرایط محیطی خود، انطباق پیدا کرده و یا به عبارتی به آنها عادت کرده‌اند، دقیقاً همان هنگام است که بایستی نگران خطرات و پی‌آمدهای درازمدت این انطباق‌پذیری بر خلاقیت فرد باشیم. تغییر افراد و عادات آنها در بزرگسالی (هنگامی که این رفتار جزئی از عادات شخصی فرد شده است) بسیار سخت و گاهی ناممکن است. در نتیجه به نظر می‌رسد باید از انطباق‌پذیری بیش از حد و به معنای دیگر عادت کردن و یا روزمره شدن جلوگیری نمود (آقا لطفی، ۱۳۸۷: ۳).

برخی از ویژگی‌های کالبدی محیط فیزیکی می‌توانند بر خلاقیت و نوآوری استفاده‌کنندگان از آن فضا مؤثر باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از: تنوع در جزئیات فضا، دید به محیط طبیعی، استفاده از مصالح طبیعی، رنگ، نور، فضایی انعطاف‌پذیر و متنوع، وجود گیاه در فضا، هم‌جواری افراد با یکدیگر، رؤیت‌پذیری، وجود بسترهای زیبا و برخوردار از خلوت. در حقیقت می‌توان این ویژگی‌های فضای کالبدی را به چهار دسته صفت فضایی شامل: خلوت، زیبایی، تنوع فضایی و انعطاف‌پذیری، هم‌جواری یا رؤیت‌پذیری محدود کرد. آرام بودن فضا به مفهوم نبود آلودگی صوتی را می‌توان زیر مجموعه صفت فضایی خلوت به شمار آورد، چرا که خلوت شامل خلوت آکوستیکی و خلوت بصری به معنی قابل کنترل بودن دید به محلی که افراد در آن حضور دارند است. لذا داشتن دید به محیط طبیعی در فضای کالبدی، و بهره‌گیری از مصالح طبیعی، و وجود رنگ و نور را می‌توان زیر مجموعه صفت فضایی زیبایی محسوب کرد، زیرا این عوامل عناصر ایجاد زیبایی در فضا به شمار می‌روند. و شامل تنوع فضایی، تنوع در جزئیات و تنوع در محیط خلق شده می‌شوند. انعطاف‌پذیری فضا می‌تواند در کنار تنوع فضایی مطرح شود؛ چرا که هر دو صفات فضایی هستند که دامنه بهره‌گیری از فضای مصنوع را افزایش می‌دهند. تنوع فضایی امکان پاسخ‌گویی به دامنه وسیع‌تری از افراد را در یک زمان فراهم می‌کند و انعطاف‌پذیری، قابلیت تغییر در طول زمان را داراست. هم‌جواری و رؤیت‌پذیری نیز صفات فضایی دیگری هستند که می‌توانند در کنار هم مطرح شوند؛ چراکه هر دو صفت با افزایش امکان ملاقات و برخورد افراد، تعاملات میان ایشان را افزایش می‌دهند که در خلاقیت و به ویژه نوآوری از اهمیت بالایی برخوردارند.

در واقع عوامل متعددی در خلاقیت و نوآوری افراد در محیط مؤثر است که عبارتند از: انگیزه، مهارت، منابع، تفکر خلاق، شخصیت، آرامش و آسایش، جو، فرهنگ، یادگیری و تجربه. از این میان عواملی که بیش از سایرین تحت تأثیر فضای کالبدی قرار می‌گیرند عبارتند از: آرامش و آسایش، تفکر خلاق، انگیزه و تعاملات (بیسادی، ۱۳۹۲). بنابراین با توجه به مطالب بیان شده می‌توان چارچوبی را برای ارتباط محیط و خلاقیت ارائه داد که در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: چارچوب ارتباط محیط و خلاقیت (نگارنده، ۱۳۹۳)

بنابراین برای شکوفایی خلاقیت می‌بایست بسترهای لازم محیطی برای آن را فراهم آورد. در همین راستا توجه به سه مورد زیر و انجام آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

یک: ارزشمند کردن محیط؛ تا شرایط و بستر لازم برای کاویدن و جستجو کردن فراهم شود.

دو: ترغیب به مشاهده و خوب دیدن محیط؛ تا بتوان به نکات و حکمت‌های نهفته در محیط، پی برد.

سه: بهره‌مندی بهینه از محیط؛ به این معنا که برنامه و فعالیت‌های روزانه زندگی را به گونه‌ای انجام داد که شرایط بهره‌مندی از فضا و کالبد فراهم آید.

جایگاه خلاقیت در شهر

شهرها ظرف‌های خلاقیت هستند و همیشه چرخ‌های حرکت، تمرکز و هدایت انرژی خلاق بشر بوده‌اند. شهر خلاق^۱ نه تنها فضایی است که در آن خلاقیت رشد می‌کند، بلکه سازماندهی و مدیریت آن به طور خلاقانه طرح‌ریزی می‌گردد. فلسفه شهر خلاق آن است که در هر شهری همیشه ظرفیتی بسیار بیشتر از آنچه ما در وهله اول تصور می‌کنیم، وجود دارد. وجود زیرساخت فرهنگی و اقتصادی، رهبری خلاقانه و نقش افراد خلاق و نوآور از جمله امکانات زیرساختی جهت رونق و توسعه شهر می‌باشد. هم‌چنین در آن از نوآوری‌ها و توانمندی‌های شهروندان استفاده شده و تفکر خلاق ساکنان، همگام و هماهنگ با مدیریت شهری حرکت کند. شهر خلاق به معنای شهروندان خلاق است. محیط‌های شهری باید از شرایطی برخوردار باشند که بتوانند این سرمایه‌ها را جذب کرده و حفظ نمایند. اگر بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که مردم بتوانند براساس تخیلات بلند پروازانه خود، فکر، برنامه‌ریزی و عمل کنند و فرصت‌ها به طور مداوم تکامل یابد، می‌توانیم به تحقق شهر خلاق در جهت توسعه پایدار شهرها نزدیک‌تر شویم. شهری که بتواند به‌شکلی خلاقانه استعداد همکاری جمعی را در راستای حرکت به سمت پایداری پیش گیرد، شهری موفق خواهد بود.

برای جذب سرمایه‌های انسانی و خلاق، شهرها و مناطق وابسته به آن باید ویژگی‌های خاص داشته باشند که بتوانند به شهر خلاق تبدیل شوند. غیر از بسترهای دانش، صنعت و به‌ویژه صنایع با فن‌آوری برتر، بسترهای اجتماعی و فرهنگی چون، تنوع اجتماعی، مطلوبیت محل زندگی، کیفیت زندگی و برابری اجتماعی، جایگاه مهمی به خود اختصاص داده اند (Winden, 2007: 7).

با اجرای ایده شهر خلاق دیگر شاهد گسست‌های فرهنگی - اجتماعی بین اقشار مردم و تبدیل آنها به گروه‌های درون‌گرا و منزوی و یا تشکیل گتو نخواهیم بود؛ شهر خلاق جایی برای تبادل آرای متفاوت و گاه متقابل است و از این طریق مشکلات شهری با درایت عمومی برطرف خواهد شد. با این روش تقابل آرا در حوزه مدیریت شهری به تعاملی کارا مبدل خواهد شد. در چنین شرایطی اقتصاد شهر خلاق در ارتباطی نزدیک با فرهنگ و باورهای اجتماعی قرار خواهد گرفت؛ به‌طوری‌که با استفاده از ایده‌های نوین تولید

- طبیعت گرا به شرایط بهینه رسیده و از این طریق اقتصاد شهر پویایی و پایداری قابل توجهی می یابد که به اجزای مختلف شهر نیز قابل رسوخ خواهد بود (Brecknock, 2009: 3).
- تاکنون شاخص هایی جهت سنجش میزان رشد خلاقیت در شهرها عنوان شده، که شامل موارد زیر است:
- زیرساخت مناسب برای بازسازی اقتصاد پویای شهر که شامل فراهم بودن شرایط کار باشد، و خود حضور جمعیتی متنوع و متخصص از انواع مهارت ها را می طلبد.
 - ساختار اقتصادی، مبتنی بر مولفه های رشد و هماهنگی با برنامه های کلان (خدمات، فرهنگ، شرکت- های فناوری نوین و ..).
 - توانایی جذب استعداد های خلاق و جدید برای رشد فزاینده اقتصاد شهری که تنوع و فضایی برای نوآوری را نیاز دارد.
 - فضای شهری که اجازه شکل گیری اجتماعات و فضاهای عمومی جهت شناسایی استعدادهای جوان را بدهد.
 - ساختار بالغ شهری که با رفتارهای متفاوت سازگار باشد، چون آنهایی که با فعالیت های روز دنیا هماهنگ هستند در بهترین موقعیت قرار می گیرند.
 - ساختار مستحکم اجتماعی که برای مردم و شرکت ها جذاب بوده و برای رشد اقتصادی شهر مناسب باشد و باعث درون زایی شهر گردد.
 - شرایط زندگی شهری امنیت و آرامش را به شهروندان القا کرده و در سطح پایینی از تخلفات، قطبی- شدن اجتماعی و فقر قرار داشته باشد (landri, 2006: 26).

شهر خلاق		
توانمندی های شهروندان	زیرساخت فرهنگی و اقتصادی	سازماندهی و مدیریت شهری
تبادل آرای مختلف و متفاوت	ارتباط نزدیک اقتصاد با فرهنگ و باورهای اجتماعی	هم گام بودن نوآوری ها و توانمندی شهروندان با مدیریت شهری
تنوع اجتماعی	تقویت بسترهای دانش، صنعت و اقتصاد پویا	برطرف کردن مشکلات شهری با درایت عمومی
از بین رفتن گسست های اجتماعی و فرهنگی	اقتصاد شهری پویا و پایدار بر اساس ایده های نوین تولیدی طبیعت گرا	مطلوبیت محل زندگی، و ارتقا کیفیت زندگی

شکل شماره ۲: جایگاه خلاقیت در شهر (نگارنده، ۱۳۹۳)

شهروند خلاق، سرمایه اجتماعی

در شهرهای خلاق باید با نگاهی ویژه به شهروندان یک شهر نگریده شود. در چنین شهرهایی باید شرایط و فعالیتهایی مد نظر قرار گیرند که به ظهور هنرمندان آینده منجر شوند، و به موفقیت کارکنان خلاق در کلیه بخش‌های اقتصادی بیانجامند، و باعث شوند مصرف‌کنندگان خواهان کالاهای فرهنگی باشند و محیطی جذاب برای افراد خلاق ایجاد شود. لذا آموزش عمومی قوی و دستیابی به فعالیتهای فرهنگی نقشی حیاتی را در شکل‌گیری افراد خلاق بازی می‌کنند و باعث پیشبرد التزامها و مشارکت‌های اجتماعی می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۲: ۲).

افزون بر آن بدیهی است که ساکنین شهرها خواهان مشاهده و لمس ایده‌های خود در شهر هستند؛ و از آنجا که شهر خانه‌ای بزرگ برای شهروند محسوب می‌شود. شهر خلاق ورود مستقیم مردم به شهرسازی را ترویج می‌کند و بازدهی حداکثری را در پروژه‌های شهری می‌طلبد.

مطالعات نشان می‌دهد که شهروندان خلاق خود به خود به وجود نمی‌آید؛ بلکه با آموزش‌های هدفمند، بالاخص در دوران کودکی، می‌آموزند چگونه در راستای ایفای نقش موثر شهروندی، توانمندی‌های بالقوه خویش را به فعالیت رسانیده و بیشترین بهره را در شکوفاتر نمودن شهر خویش از آنها بجوبند. شهروند یک «سازه اجتماعی» است، در نتیجه تابعی از بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی جامعه خود است. و افراد یا شهروندان علاوه بر نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مجموعه ای از «نیازهای فرهنگی» نیز دارند، که نیازهای مربوط به خلاقیت و خودشکوفایی و نیازهای فراغت و لذت از جمله این نیازهاست (ذوالفقاری، ۱۳۸۹، ۵).

یونسکو نیز مفهوم حقوق فرهنگی را به معنای «حق انسان برای دسترسی به فرهنگ در تمام ابعاد آن» می‌داند. یعنی همه انسان‌ها حق دارند از فرآورده‌های فرهنگی استفاده کنند و در امر تولید فرهنگی مشارکت نمایند. رواج و پذیرفتن این مفهوم به عنوان یک اصل، دخالت دولت‌ها در تأمین حقوق شهروندان برای دسترسی به فرهنگ را توجیه می‌کند (اجلایی، ۱۳۷۹: ۳۲).

آموزش^۷ و برنامه‌ریزی برای افزایش مشارکت اجتماعی در حوزه محلات گامی موثر در پرورش شهروندان خلاق است. به‌طوری‌که برنامه‌های آموزشی خلاقانه در سیستم آموزش عمومی، روش موثری برای تشویق مردم برای حل مساله و تفکر خلاقانه است. این موضوع تا جایی حائز اهمیت است که توسعه ظرفیت در مدارس و اجتماعات بدون توجه سطوح درآمدی مردم یا مکان جغرافیایی زندگی آنان باشد. هم-چنین ایجاد شرایط مناسب برای دستیابی به برنامه‌های فرهنگی در کلیه سطوح محلات (به خصوص محلات در معرض خطر)، مهم‌ترین ابزار برای پیشبرد مشارکت اجتماعی است. خط مشی مبتنی بر محلات، روش اصلی برای استراتژی توسعه اقتصادی مبتنی بر خلاقیت است. این استراتژی به نوبه خود باعث بهبود

بی‌عدالتی‌های اجتماعی خواهد شد. برنامه‌ریزی اجتماعی خلاقیت، می‌تواند باعث رشد استعدادها در آینده شده، محیطی امنی را برای یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی فراهم سازد (محمدی، ۱۳۹۲: ۵). اگرچه ممکن است شهرهای بزرگ استعدادهای خلاق بی‌مانندی را در خود جای داده باشند، اما اگر در آنها نابرابری‌های برجسته اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستولی شود، دست‌یابی به توسعه پایدار مبتنی بر خلاقیت و نوآوری امکان‌پذیر نمی‌باشد. به بیان دیگر برنامه‌های شکل‌گیری شهرها و مناطق خلاق باید موضوعات اساسی شهروندمدار و شهرسازی دموکراتیک را پوشش دهند. هم‌چنین یکی دیگر از موانع دست‌یابی به شکوفایی خلاقیت در شهروندان و اهداف اجتماعی در مقیاس وسیع عدم همکاری و هماهنگی شهروندان در جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در زندگی فعال شهری است. به عبارت دیگر هر طرح و برنامه‌ای برای دست‌یابی به پایداری و ضمانت اجرایی توجه ویژه به کسب اعتماد، اظهار تمایل و جلب مشارکت جامعه شهری را نیاز دارد (J.Scott, 2006: 42).

دو دلیل مبنی بر اهمیت وجودی شهروندان خلاق به عنوان سرمایه‌های اجتماعی وجود دارد. اول؛ آنکه سرمایه‌های اجتماعی موجب برانگیختن فضایی از خلاقیت و نوآوری پایدار است، و دوم؛ آنکه وجود خلا اطلاعاتی در انسان عاقبت او را اسیر بیهودگی و تکرار خواهد کرد، و در سیستم‌های خشک و سنتی قسمت بزرگی از خلاقیت و روح زندگی در افراد جامعه از بین می‌رود که بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در راه نوآوری، درمانی بر این معضل است (Leadbeater, 2008:17).

خلاقیت، فضا و منظر شهری

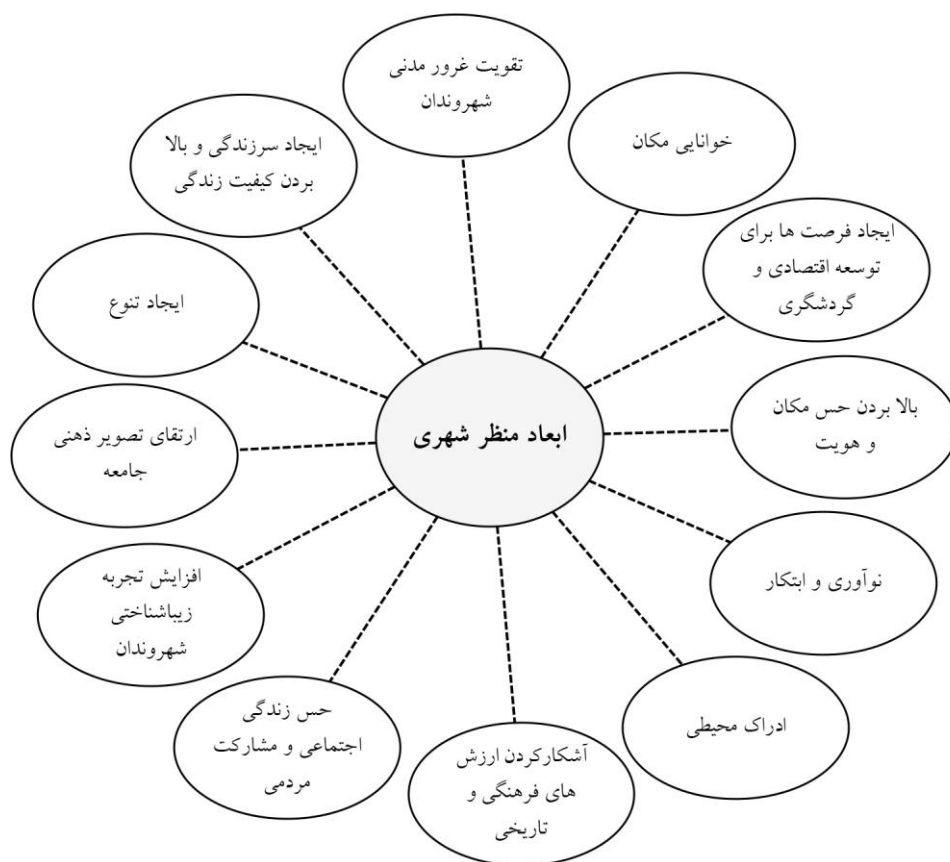
فضا و منظر شهری در واقع بیان‌گر هویت یک شهر و نخستین عنصری است که شهروند در شهر با آن ارتباط برقرار می‌کند و به‌صورت بی‌وقفه و مداوم وی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بهم‌ریختگی منظر شهر بیان‌گر بی‌نظمی در ساختار برنامه‌ریزی و رفتاری شهر، و منظر زیبا بیان‌گر رابطه‌ای مناسب میان شهر و شهروند می‌باشد. فضایی که هر روزه درون آن هستیم و رابطه‌ای دو سویه با آن برقرار می‌کنیم نمی‌تواند در ساختار هویتی بی‌تاثیر باشد. بخش عمده‌ای از هویت ساکنین شهرها ناشی از تاثیراتی است که بتدریج و به مرور زمان از شهر می‌گیرند. در واقع نگرش و خلاقیت هر انسان، به عنوان محور اصلی در شکل‌گیری یک شهر، در فضا سازی و شمای شهر نیز دخیل است (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۶).

فضاهای عمومی شهری، مکانی برای تبادل افکار، اندیشه‌ها و شکل‌گیری روابط اجتماعی است، و منظر یک محیط شهری، مجموعه‌ای از محرک‌های محیطی (عوامل طبیعی و مصنوعی) است که در شکل‌گیری آن، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به همراه الگوها و هنجارهای غالب در آن جامعه نقش اساسی را ایفا می‌کنند (فرهودی و تیموری، ۱۳۸۹: ۱۵).

تعامل انسان و پدیده شهر از طریق فضای شهری شکل گرفته و جایگاه منظر شهری در ارتباط چندسویه انسان و محیط بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر آن ویژگی‌های محیط شهری بخش قابل تأملی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

منظر شهری در آغاز امری عینی تلقی می‌شده است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی محیط موجودیت یافت. لیکن تدریجاً و به واسطه حضور در شرایط تاریخی و تکرار شدن در مقابل گروه انسان-های ادراک‌کننده آن، واجد نوعی وجود ذهنی گشت و به عنصر مشترک پیونددهنده افراد جامع یا یک شاخص، نماد، درجه و کیفیت تمدن و روحيات جمعی هر ملت و قومی در محدوده شهر تبدیل شد که حاصل تصمیمات و تصورات مردم آن شهر است.

منظر شهری با سه بُعد احساسی، فرهنگی و اکولوژیکی نوع جدیدی از هویت سیال شهر است که مستقیماً با ادراک شهروندان رابطه دارد. ابعاد کامل تاثیر منظر شهری در شکل (۳) قابل مشاهده است. بر این اساس وظیفه طراحان و برنامه‌ریزان منظر شهری، جستجو و کشف معانی تاریخی، طبیعی و فرهنگی در محیط‌های شهری و عینیت بخشیدن به آنها در قالب‌های کالبدی و بصری است (کیانی و سالاری، ۱۳۹۰: ۳).



شکل شماره ۳: ابعاد تاثیرگذار منظر شهری (کیانی و سالاری، ۱۳۹۰: ۳)

بنابراین ارتباطی قوی بین فضای شهری و خلاقیت وجود دارد. افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام‌بخشی و نمایش کارهای خود دارند. و فضاهای شهر اعم از طبیعی و مصنوعی، باعث برانگیختگی، انطباق و بیان خلاقیت ساکنین خود می‌شوند. فضاهای خلاق باید امیدبخش و توانمندساز باشند. زیرا خلاقیت نیازمند فضاهایی است که در آن بتواند رشد و فعالیت کند، تفکر و نوآوری نماید، تجمع و پرورش یابد و نهایتاً پیشرفت کند. بهبود فضاهای خلاقانه شهری باعث احساس غرور شهروندان، جذب و نگهداری افراد و کارکنان مستعد و خلاق، سرمایه‌گذاری بیشتر و افزایش گردشگری شهری می‌شود.

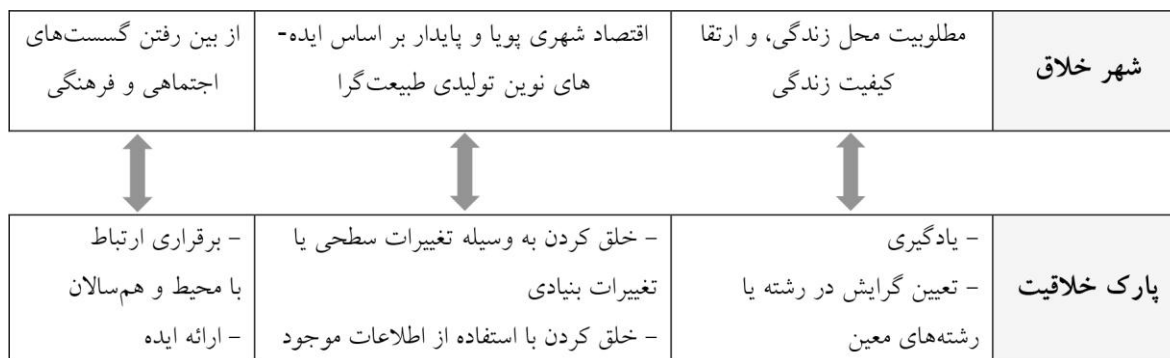
ویژگی‌های مفهومی پارک خلاقیت^۸

برای دستیابی به افرادی خلاق و متمر ثمر در جامعه، باید در پی یافتن راه‌حلی در جهت پرورش خلاقیت کودکان به عنوان آینده‌سازان یک جامعه شهری برآیم. آموزش در راستای شکوفایی استعداد و هوش انسان‌ها از آغاز کودکی با افزایش کیفیت و کارایی افراد رابطه مستقیمی دارد. هدف از تاکید بر این آموزش‌های کاربردی فراهم‌آوردن زمینه‌ای است که براساس آن توانایی‌های بالقوه افراد به فعل درآید و استعدادهای آنان شکوفا گردد. این هدف با ایجاد فرصت‌های آموزشی در دوران کودکی محقق می‌شود. آموزش کودکان فرایندی است که انطباق و سازگاری فرد را با محیط متحول اجتماعی فراهم می‌آورد. در نتیجه افراد خلاق نسبت به افراد دیگر به تغییرات سازمانی و همچنین تغییرات جامعه آگاهانه‌تر واکنش نشان می‌دهند و از آن‌جا که حیات و ادامه زندگی سازمان تا حدود زیادی به دانش و مهارت کارکنان آن بستگی دارد، افراد ماهرتر و خلاق‌تر نقش مؤثرتری در کارآمدی و بهره‌وری سازمانی خواهند داشت و برای ایفای وظایف و قبول مسئولیت‌های جدیدتر، آماده‌تر و مجهزترند و چنین سازمان و در نگاه کلان‌تر چنین جامعه‌ای هرگز دچار جمود فکری نخواهد شد.

برنامه‌ریزی برای ایجاد شهر خلاق و پرورش شهروند خلاق، بدون توجه و تمرکز بر روی کودکان امروز، و پرورش خلاقیت آن‌ها امکان‌پذیر نیست؛ و درست بر همین اساس ایجاد «پارک خلاقیت» برای دستیابی به این امر بسیار مهم و ضروری تلقی می‌گردد. «پارک خلاقیت» از جمله فضاهای بازی کودکان است که با توجه به مورد استفاده‌ی آن دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. محیط بازی در چنین فضایی باید از محیطی به محیط دیگر در جریان باشد؛ و به گونه‌ای پایان‌ناپذیر و تا حد امکان ساده و مشوق شکوفایی و خلاقیت کودکان باشد.

این فضا واجد نوعی برنامه‌ی درسی پنهان و نهفته است، که کودکان آن را با شیوه خاص خود دریافت کرده و همزمان با سایر هم‌سالان خود ارتباط برقرار می‌کنند. از آنجا که این پارک‌ها عوامل تسریع‌کننده‌ی خلاقیت از جمله ترغیب و تشویق، مواد، محیط محرک، روابط غیرانحصاری والدین کودک، روش‌های پرورش کودک، فرصت کسب معلومات و ... را داراست؛ از این‌رو می‌تواند تاثیر بسیار عمیقی در ایجاد و

پرورش خلاقیت زودبازده نیز داشته باشد. هم‌چنین کودک در این پارک‌ها، مراحل خلاقیت شامل یادگیری و ارائه ایده را طی می‌نماید. در این پارک، پرورش خلاقیت‌های ذهنی، مهارت‌های فیزیکی، مهارت‌های ارتباطی و گفتاری، خلاقیت و حس استقلال هدف قرار داده شده است. از مهم‌ترین دستاوردهای ایجاد این پارک بر روی کودک، در هم شکستن فکر قالبی، ایجاد تفکر واگرا، ایجاد تصویر مثبت از خود و ایجاد انگیزه و نشاط در فرآیند یادگیری است (پیاز، ۱۳۸۸: ۵۲).



شکل شماره ۴: ارتباط معنی‌دار بسترهای متأثر شهر خلاق و مراحل آموزشی پارک خلاقیت (نگارنده، ۱۳۹۳)

با توجه به موارد ذکرشده در طراحی فضای پارک خلاقیت باید مفاهیم زیر تداعی شود. در حقیقت در فرآیند طراحی چنین فضاهایی باید به صورتی ویژه بر این مفاهیم به عنوان «ویژگی‌های مفهومی پارک خلاقیت» تمرکز و تاکید گردد. این مفاهیم عبارتند از:

- طرح سوال (کنجکاوی): اساس بازی‌های طراحی شده برای برانگیختن حس کنجکاوی در کودک، ارجاع وی به اصول و قوانین پایدار و تکرار آن در موارد مشابه است. در این صورت کودک با مشاهده‌ی اثرات گوناگون یک قانون در جایگاه‌های متعدد به طرح سوال در ذهن خود خواهد پرداخت. استفاده از تجهیزات علمی برای کاوش در باب مسائل قابل مشاهده و نیز تمهیداتی برای نمایان ساختن جریان‌های غیرقابل مشاهده دست‌یابی به این هدف را امکان‌پذیر خواهد نمود.

- تجلی احساس: هیجان، شگفت‌زدگی، حس پیروزشدن و غرور حاصل از آن، حتی حس شکست و سرخوردگی و ده‌ها احساس ناشناخته دیگر که کودک در ابتدای انجام بازی، در خلال آن و حتی در انتهای بازی به دست می‌آورد، وی را به کاوش در نهان و احساسات خود وامی‌دارد و کشف هر احساس جدید برای وی همانند کشف یک دنیای شگفت‌انگیز در درون خودش است که او را در رسیدن به احساسات خود انگیزه‌یاری می‌رساند. طراحی بازی‌هایی در سه سطح سخت، آسان و متوسط و وجود جنبه‌های محرک حسی در کودک، او را در شناسایی احساسات خود یاری می‌رساند.

- **تخیل:** مهم‌ترین عاملی که تفکر خلاق را ممکن می‌سازد، تخیل است. با تشویق تخیل، کودکان بهتر می‌توانند به روابط و درکی تازه از پدیده‌ها دست یابند. کودکان به کمک تخیل می‌توانند از زمان حال و گذشته و آینده و آنچه خواهد شد فراتر بروند. آنان از جهان حسی خود در لحظه رها می‌شوند و از طریق کوشش‌های پر تخیل خود، افکار خود را بیان کرده و عزت نفس می‌یابند. به طور مثال از طریق شناختن هویت خود آنان می‌توانند تصور و دیدی از جهان داشته باشند که متعلق به خودشان است. و ما می‌توانیم با بررسی و کاوش در بیان تخیلی کودکان بفهمیم درباره جهان خود چه می‌دانند، چه چیزی را مهم می‌دانند و چگونه آن را بیان می‌کنند.

- **تجسم:** تجسم نیز یک روش تصویرسازی ذهنی است که تفاوت آن با تخیل در میزان عینی و شهودی بودن این دو است؛ در تجسم فرد سعی در عینیت بخشیدن و فیزیکی نمودن ذهنیات خود دارد که ممکن است این ذهنیات زاده ذهن و یا برگرفته از خاطرات و حافظه وی باشد. قدرت تصویرسازی تجسم به مراتب قوی‌تر و کاربردی‌تر از تخیل است و کودک با اتکا به آن می‌تواند تصویری روشن از آنچه می‌خواهد را متجلی نماید. چنانچه کودک تصویرسازی ذهنی را بیاموزد و به طور منظم، بر آن آرمان یا تصویر تمرکز کند و به آن انرژی مثبت دهد تا در برون به صورت واقعیتی عینی جلوه‌گر گردد، می‌تواند عملاً به آنچه مجسم می‌کرده است، دست یابد.

معرفی نمونه‌های مصداقی

شهرهای خلاق در دنیا ضمن معرفی خود از طریق ایجاد پارک‌های خلاقیت، جایگاه خاصی را نیز در بین مردم جهان کسب می‌کنند برای نمونه، ژاپن نخستین کشوری است که آموزش‌های خلاقانه را در دوران کودکی و نیز در قالب بازی در «پارک‌های خلاقیت» به کار گرفت؛ هم‌چنین نخستین کشوری است که آموزش کارآفرینی را از مدرسه شروع نمود. به این ترتیب نوجوانان ژاپنی در این کشور آموختند که چگونه باید فکر کرده و از آن مهم‌تر چگونه باید فکر خویش را عملی سازد؛ آنها بدین صورت به جهش صنعتی کشورشان کمک نمودند. در ژاپن به عنوان پیشرفته‌ترین کشور صنعتی جهان، مردم بسیار خوب می‌دانند که اگر در جامعه‌ی صنعتی، سنت‌های خود را حفظ نکنند، زیان خواهند دید و در حال حاضر به این امر بسیار اهمیت می‌دهند و معتقدند که فرزندان‌شان چیزی را گم کرده‌اند که همانا ارتباط واقعی آن‌ها با طبیعت و جامعه است. در این کشور بازی‌های سنتی قدم به قدم مثل زبان و فولکلور با مردم رشد می‌کند. در آمریکا و نیز دیگر کشورهای پیشرفته اروپایی نیز، ضرورت توجه به رشد خلاقیت در دوران کودکی، شهرداری‌های شهرهای بزرگ را بر این داشته تا با ایجاد «پارک‌های خلاقیت» در این امر مهم خود را سهیم نمایند.

نتیجه گیری

خلاقیت در بشر از استعدادهای عمومی است و برحسب محیط و شرایط دیگر، به صورت کم یا زیاد بروز می‌کند. محیط‌های مساعدی برای گسترش و رشد خلاقیت وجود دارد که از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آن‌ها شهرها هستند. شهرها ظرف‌های خلاقیتند و توجه به شکوفایی خلاقیت فردی در آن‌ها سبب ظهور شهروندانی خلاق خواهد شد. اما شهروندان خلاق خود به خود به وجود نمی‌آید؛ بلکه با آموزش‌های هدفمند بالاخص در دوران کودکی، می‌آموزند چگونه در راستای ایفای نقش موثر شهروندی، توانمندی‌های بالقوه خویش را به فعالیت رسانند و بیشترین بهره را از آنها بجویند. بنابراین لازمه ایجاد شهر خلاق، پرورش شهروند خلاق است. شهر خلاق فضایی است که در آن خلاقیت رشد می‌کند، و سازماندهی و مدیریت آن نیز به طور خلاقانه طرح‌ریزی می‌گردد، و این امر بستر لازم برای ورود مستقیم مردم به شهرسازی را ترویج می‌نماید و به بازدهی حداکثری پروژه‌های شهری می‌انجامد.

شهرداری‌ها و آموزش و پرورش از جمله سازمان‌هایی هستند که در پرورش شهروند خلاق نقش مهمی را بر عهده دارد. با ایمان به ارزش آموزش خصوصاً از ابتدای کودکی، همکاری این دو سازمان در ایجاد فضاهایی شهری با عنوان «پارک خلاقیت» برای رشد خلاقیت، انگیزه و تلاش در کودکان و نیز بازآفرینی بازی‌های سنتی که زمینه شکوفایی خلاقیت را فراهم می‌آورند (و درپیشینه تاریخی و فرهنگی کشورمان به وفور یافت می‌شوند) می‌تواند گامی بزرگ در زمینه پرورش کودکان به عنوان شهروندان خلاق شهرهای آینده را فراهم آورد؛ و تلاشی موثر در راستای رسیدن به شهرهای خلاق باشد.

پی‌نوشت

- 1- Creativity
- 2- Mayer
- 3-Weisberg
- 4- Environmental characteristics
- 5- Environment-behavior
- 6- Creative city
- 7- Education
- 8- Creativity Park

منابع

- بیسیس، ژایوی و پیر، اوبر (۱۳۷۹)، *خلاقیت چیست؟*، نشر عابد، تهران.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸)، *ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن*، به نشر، مشهد.
- بیسادی، مونا، (۱۳۹۲)، *صفات فضایی مؤثر بر افزایش خلاقیت محققین در مراکز تحقیقات معماری و شهرسازی*، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، شماره ۳، تهران.

- آقالطیفی، آزاده (۱۳۸۷)، مناسب‌سازی محیط برای خلاقیت کودکان، اولین کنفرانس ملی خلاقیت-شناسی، تهران.
- محمدی، کمال (۱۳۹۲)، دوران شهرهای خلاق، نشریه شهرداری‌ها. شماره ۱۰۰، تهران.
- ذوالفقاری، محمد (۱۳۸۹)، نقش پارک‌های خلاقیت در پرورش خلاقیت و نوآوری کودکان، اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، شیراز.
- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹)، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، انتشارات آن، تهران.
- فرهودی، رحمت الله و تیموری، ایرج (۱۳۸۹)، منظر شهری، هویت فرهنگی یا صنعت فرهنگی، همایش ملی منظر شهری، پژوهشکده فرهنگ هنر جهاد دانشگاهی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- کیانی، اکبر و سالاری، فرضعلی (۱۳۹۰)، بررسی و ارزیابی اولویت‌های منظر فضاهای عمومی شهر عسویه با استفاده از مدل ANP، فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، شماره ۱۸، سال هشتم، تهران.
- پیاز، ژان (۱۳۸۸)، روان‌شناسی کودک، نشرنی، تهران.
- Amabile Tresa M (1983), **Social psychology of creativity: A componential conceptualization**, Journal of Personality and Social Psychology, Vol 45:357-376.
- Amabile Tresa M. Conti R. Coon H. Lazenby J. and Herron M (1996), **Assessing the work environment for creativity**, Academy of Management Journal, Vol.39:1154-1184.
- Landry Charles (2006), **Lineages of the creative city**, Research Journal for Creative Cities (RJCC), Vol 1, No 1.
- Winden W. Den berg L and Pol Peter (2007), **European Cities in the Knowledge Economy: Towards a Typology**, Urban Studies, Vol 44, No 3.
- Brecknock Richard (2009), **Creative Capital: creative industries in the creative city**, Urban Studies, Vol 44, No 3.
- J Scott Allen (2006), **Creative Cities: Conceptual Issues and Policy Questions University of California**. Los Angeles.
- Leadbeater Charles (2008), **The Completely Creative City**, British Council Cities Seminar, Warsaw.